

ساختار قدرت و ارزش‌های حاکم بر رفتار ایرانیان با استفاده از تحلیل محتوای فتوت‌نامه‌های اصناف

علی قنبری برزیان* - جواد نظری مقدم** - مجید بهستانی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶)

چکیده

توسعه یافتگی و راه‌های برون‌رفت از مشکلات موجود، دغدغه فکری و یکی از چالش‌های مهم ایران به ویژه بعد از انقلاب اسلامی است. از دوره قاجار به بعد یکی از متداول‌ترین پرسش‌های ایرانیان این بوده است که چرا ملتی عقب‌مانده نسبت به قدرت‌های بزرگ هستند؟ این در حالی است که پیشینه فرهنگی - تمدنی ایران انتظارات دیگری را می‌پروراند. یکی از دیدگاه‌های رایج ریشه، مشکلات امروز را به تاریخ و فرهنگ گذشته جامعه ایرانی باز می‌گرداند و با تأکید بر تلازم میان ساختار استبدادی و ارزش‌های اخلاقی جامعه، معتقد است حاکمیت‌های استبدادی در ایران، موجبات حاکمیت ارزش‌های خودمدار و عدم شکل‌گیری ویژگی‌های مقوم توسعه از قبیل ارزش‌های دیگرمدارانه، مشارکت و روحیه جمعی را سبب شده است. این پژوهش می‌کوشد تا با نگاهی تاریخی ضمن توصیف خلق و خوی ایرانیان با استفاده از تحلیل محتوای فتوت‌نامه‌ها و کسب‌نامه‌های اصناف، فرض مذکور را مورد مذاقه و بررسی قرار دهد. نتیجه این پژوهش از عدم تلازم میان استبداد سیاسی و وضعیت ارزش‌های اجتماعی خودمدار در ایران حکایت می‌کند. نتایج حاصله می‌تواند به عنوان دست‌مایه‌ای برای مطالعات حوزه فرهنگ و توسعه مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: استبداد، شخصیت ایرانی، فتوت‌نامه، اصناف، خودمداری، توسعه.

* (qanbari20@yahoo.com)

* استادیار جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

** دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (نویسنده مسئول)

j.nazaris@gmail.com

*** استادیار مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام (ع)

(behestaniam@gmail.com)

مقدمه

گفته می‌شود که بعد از وقوع جنگ‌های ایران و روس و شکست ایرانیان در آن نبردها، این پرسش در ذهن حاکمان ایرانی خطور کرد که چرا ایران دیگر یک کشور قدرتمند نیست؟ غالب‌ترین پاسخ در عقب‌ماندگی فنی و علمی کشور، و غالب‌ترین راه حل در تأسیس مدارس علمی جدید و کارخانجات تجهیزات جنگی و مستلزمات آن، در کنار اعزام تعدادی از فرزندان درباریان و اشراف به ممالک راقیه (کشورهای توسعه‌یافته) جستجو شدند. بازگشت اولین محصلان خارجی، همراه با افزایش رفت و آمد اروپایی‌ها به ایران و بالعکس، اولین جرقه‌های اندیشه تغییر در کشور در اوضاع سیاسی (مشروطه‌طلبی)، اجتماعی (تأسیس نهادهای جدید تعلیم و تربیت، و ایجاد رسانه جدید)، فرهنگی (مدرنیزاسیون) و اقتصادی (صنعتی شدن) را رقم زد. آشکار شدن تدریجی تعارضات گفتمان سنت و گفتمان مدرنیته آغاز دعوی همه‌جانبه‌ای بوده است که از آن به عنوان مشکله توسعه یا مواجهه سنت و مدرنیته یاد می‌شود.

اگر چه در مواجهه با این مشکله از سوی نحله‌های مختلف فکری پاسخ‌های مختلفی داده می‌شود، با وجود این، یکی از پاسخ‌های مشترک ارجاع وضعیت فعلی به وضعیت گذشته ایران است. چه نگاه نهادگرا، چه نگاه مارکسیستی، و چه نگاه ذات‌انگارانه با ثابت دانستن وضعیت توسعه‌نیافتگی ایران امروز، دلایل آن را در گذشته ملت ایران جستجو می‌کنند. برای نهادگرایان، ایرانیان اگر امروزه وضعیتی دموکراتیک را تجربه نمی‌کنند بدان خاطر است که در گذشته نیز نهادهای مدنی که اخلاق و منش دموکراتیک را تقویت کنند، وجود نداشته‌اند. از نگاه مارکسیستی، عناصر مادی و شیوه تولید اقتصادی موجود در سرزمین ایران و پیرامون آن به وضعیت عقب‌ماندگی منجر شده‌است. از نگاه ذات‌انگاران ژن ایرانی (= شرقی) یا تعالیم اسلامی ضد توسعه است. توسعه امری غربی است که در دامان عقلانیت هلنی- رومی و فرهنگی ویکتوریائی شکل گرفته است. ایران/ شرق برای توسعه‌یافتگی خود چاره‌ای ندارد مگر آن که همان مسیر و الگوئی را برگزیند که غرب پیش از این آن را برگزید (آخوندزاده ۱۲۷۹ق، ملک‌خان ۱۲۷۵ق، تقی‌زاده ۱۳۲۸). به عقیده بسیاری، ویژگی‌های نامطلوب در فرهنگ و خصلت جمعی ما ریشه دارد و دلیل آن را باید در تاریخ و حافظه تاریخی مان جستجو کرد (قاضی مرادی، ۱۳۷۸؛ بازرگان ۱۳۵۴ و جمال زاده، ۱۳۴۵).

فرض اصلی تمامی این رویکردها این است که فقدان اخلاق مدنی (مانند اخلاق کاری، کار گروهی، دیگراری، وظیفه‌دانی، و صداقت) ناشی از وضعیت استبدادی همیشگی ایرانیان است.

این یعنی ساختار و نهادهای اجتماعی ایران از ساختار پایدار سیاسی آن ناشی شده است. با توجه به آنچه بیان شد، آیا می‌توان گفت که جامعه ایران به جهت وجود نظام‌های استبدادی جامعه‌ای خودمدار بوده است؟ از نظریه‌های مدرنیزاسیون غربی و ادبیات توسعه در ایران این قابل استنباط است که حکومت‌های استبدادی در جامعه ایران، حاکمیت نظام ارزش‌های اجتماعی خودمدار در مناسبات اجتماعی - اقتصادی افراد را به دنبال داشته است.

این پژوهش این فرض را به لحاظ تاریخی مورد مذاقه قرار داده است. هدف اصلی تحقیق، توصیف خلق و خو و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه ایرانی بر مبنای اسناد تاریخی و تحلیل محتوای کسب‌نامه‌ها و فتوت‌نامه‌های اصناف ایرانی است که از قرن پنجم تا دوره اواخر دوره قاجار بر جای مانده و ناظر بر بررسی نسبت آن با حوزه سیاست و قدرت است.

رفتار جامعه و ساختار قدرت

محققان در باب روح ملت خود بسیار سخن گفته‌اند (واینر، ۱۳۸۵، زیگفرید، ۱۳۵۴). برخی از رویکردها در این نگاه تا جایی پیش می‌رود که هر انسان متعلق به جغرافیای سرزمینی خاص را از حیث وجودی صاحب برخی ویژگی‌های ذاتی همیشگی می‌نماید و نیز قائل به وجود عناصر ذاتی در یک گروه از آدمیان و تفاخر به آن است. تا جایی که برخی معتقدند هویت جوامع تا حد زیادی، تابع خاطره‌های قومی آنان است (میلانی، ۱۳۷۸: ۳۲).

اریک فروم بر این مسئله پای می‌فشرد که ظهور هیتلر در بستری شکل گرفت که مردم جامعه آن را پیش آورده بودند؛ گذشته از عواملی چون استعداد خاص رهبر برای فکر و عمل، معمولاً ساختمان خوی وی نماینده ساختمان شخصیت کسانی است که به آیین‌های او روی می‌آوردند (اریک فروم، ۱۳۷۱: ۹۵). به عبارتی دیگر این شخصیت جامعه است که در فرهنگ سیاسی تبلور پیدا می‌کند و زمینه‌ساز پیدایش شکل خاصی از دولت در جوامع است.

بر اساس نظریات برآمده از رویکردهای ذات‌گرایانه، تصور می‌شود که هر جامعه‌ای دارای روح و جسم و یا ارگانسم به مثابه یک موجود زنده است. نظرات مبتنی بر این رویکردها، حافظه تاریخی جامعه را شکل دهنده بنیادهای شخصیت ملی یا قومی یا طبقاتی می‌دانند. نظریاتی که می‌گویند بر این اساس، حافظه تاریخی مقوم روح ملت‌ها است.

زیگفرید در کتاب روح ملت‌ها اشاره به این امر می‌کند که خشکی جغرافیا موجب پیدایش سیاست خاصی برای آبیاری است که هر چه کمتر اشتراک مساعی مردم در آن لازم می‌شود

(زیگفرید، ۱۳۵۴: ۳۳). طبیعی است که بر پایه این رویکرد باید پذیرفت که با توجه به وضعیت سرزمینی ایران و خشکی و کمبود آب، فعالیت‌های مشارکتی و در نتیجه همگرایی و دیگراری در آن رنگ می‌بازد. همو در این کتاب از هوشمندی و ابتکار فرانسوی، سرسختی انگلیسی، حس انضباط آلمانی و بالندگی امریکایی سخن می‌گوید و در واقع ویژگی‌های مردم اروپا را مهمترین عامل موفقیت و شکوفایی تمدن غربی قلمداد می‌کند.

از نظر برخی نظریه‌پردازان تلازم و پیوستگی خاصی میان استبداد و روحیه خودمدارانه جوامع وجود دارد. این گروه معتقدند خودمداری و ارزش‌های فردگرایانه یکی از مشخصه‌های بارز جوامع سنتی و روستایی است که پیامد آن تفرد و جدایی انسان‌ها از یکدیگر و در نتیجه حاکمیت استبداد خواهد بود (روکس پروف، ۱۳۶۹ و اریک فروم، ۱۳۷۱).

اورت هیگن در کتاب "درباره نظریه‌های تحول اجتماعی" بر این باور است تا زمانی که شخصیت استبدادی، خود محور، کم بین، بسته، ناپذیرا، ایستا و نامولد بوده باشد، هیچگونه تغییر و تحولی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی پدید نخواهد آمد. از این رو جهت گذار از جامعه سنتی، بسته و ساده به جامعه صنعتی و پیشرفته و دستیابی و به رشد و توسعه اقتصادی نیاز به شخصیت نوآور و نوپذیر، آینده‌نگر، باز و پویا، خلاق و مبتکر، ریسک‌پذیر و آزمون‌طلب می‌باشد (سو، ۱۳۷۸).

از نظر وی جامعه تحت نفوذ اقتدارگرایی جامعه‌ای را کد خواهد بود که کلیت آن دارای سلسله مراتب متصلب اقتدار بوده و روابط اجتماعی مطابق با آن شکل می‌گیرد و هر وضعیت مسئله‌داری از طریق تسلیم شدن به اقتدار حل و فصل می‌شود و در نتیجه دستیابی به توسعه اقتصادی در چنین جامعه‌ای امکان‌پذیر نیست.

استبداد و جامعه خودمدار ایرانی

نظریه‌های مطرح شده در باب علت ناکامی، عقب‌ماندگی و عدم توسعه ایران را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد (علمداری، ۱۳۷۹). دسته اول نظریاتی است که بر علل خارجی تأکید دارند و معتقدند استکبار و امپریالیسم، همراه با دولت‌های دست‌نشانده و فاسد داخلی، مانع بالندگی ذهنی و فرهنگی ایران در سده‌های اخیر شده‌اند.

دسته دوم نظریه‌هایی است که بر عامل ذهنی، فرهنگی و ارزش‌های انسانی، و در یک کلام "روح ملت‌ها" اشاره دارند. این گروه از نظریه‌ها در سه نظریه مجزا قابل تقسیم هستند: نظریه نخست می‌گوید که این مناسبات فرهنگی و اجتماعی خاصی است که مانع پیشرفت و مانع

پیدایش خلاقیت و اندیشه‌های نوین عقلی و ابداعی می‌شود (سلیم، ۱۳۵۷، رضاقلی، ۱۳۷۳). لذا مردم بوده‌اند که بستر لازم را برای عقب ماندگی جامعه را فراهم کردند. آنان می‌گویند می‌توان دریافت که آیا ذاتاً این فرهنگ یا نازاست یا ویرانگر. نظریه دوم افول علم را عامل اصلی عقب ماندگی و پسرفت می‌بیند (علمداری، ۱۳۷۹: ۲۳).

نظریه سوم بر ارزش‌های انسانی و شخصیت و روانشناسی اجتماعی و تلازم آن با اختناق سیاسی تکیه دارد (سریع‌القلم، ۱۳۸۰، قاضی مرادی، ۱۳۸۰). صاحب‌نظران این دسته معتقد هستند که در جوامع پیشرفته انسان‌ها ارزش‌هایی را باور دارند که سازنده مناسبات رشد است بر خلاف جوامع عقب‌مانده که در آن اینگونه ارزش‌ها کمیاب‌اند. دلیل یا دلایل این کمیابی را در اختناق سیاسی یا غلبه ارزش‌های سنتی می‌توان جستجو کرد که هر گونه دگرخواهی و نوگرایی را سرکوب می‌کند (علمداری، ۱۳۷۹: ۲۳). برای مثال قاضی مرادی می‌نویسد که حکومت، روزمرگی است و روزمرگی را بر مردم نیز تحمیل می‌کند. زندگی روزمره معرف زندگی کمابیش یکنواخت و تکرار شونده فرد انسانی برای بقای فردی است. در این صورت و به جهت نبود اهداف عمومی و اجتماعی، مردم نیز فقط می‌توانند به غایات و اهداف شخصی پردازند، (قاضی مرادی، ۱۳۸۰: ۵۴) که از آن می‌توان به حاکمیت نظام ارزش‌های خودمدار تعبیر کرد.

این نظریه که تفاوت شرق و غرب را توضیح می‌دهد ریشه در نظریه‌های ماکس وبر و در نظریه‌های طیف معروف به مدرنیزاسیون مانند "انگیزه پیشرفت" دیوید مک‌کله‌لند (۱۹۶۱) و "شخصیت نوآور" اورت هیگن (۱۹۶۲) دیده می‌شود.

دسته سوم ناظر بر عوامل مادی و شیوه تولید اقتصادی است (علمداری، ۱۳۷۹: ۲۳). موقعیت سرزمینی کویری - دشتی، کمبود آب، و ضرورت مدیریت متمرکز بر منابع طبیعی و هراس دائمی از تهاجم دشمنان به داخل فلات ایران از نگاه لمبتون (۱۳۴۵)، پیران (۱۳۸۴)، کاتوزیان (۱۳۷۲)، آرامش دوستدار (۱۳۷۷)، احمد اشرف (۱۳۵۹) زمینه شکل‌گیری روحیه استبداد و یکپارچگی را فراهم آورده است. اگر چه نظرات و دیدگاه‌های هر کدام از آنان تفاوت‌هایی با هم دارد اما این نظرات با نظریه استبداد شرقی ویتفوگل (۱۹۷۵) انطباق داشته و اساس و ریشه توضیح همه آنها کمبود آب و موقعیت سرزمینی و تاریخی است.

برخی از اندیشمندان علوم سیاسی قائل به تلازم استبداد و خودمداری در جوامع هستند. منتسکیو علاوه بر این که می‌گوید: «استبداد فرمانروایی نفع خصوصی است»، اعلام می‌دارد که «در حکومت استبدادی، هر خانه یک حکومت جداگانه است» (منتسکیو، ۱۳۶۲). از این دو

گزاره می‌توان نتیجه گرفت که استبداد فرمانروایی نفع خصوصی در کل جامعه است. خودمداری حاکم مستبد باعث گسترش فرهنگ و مناسبات شخصی یا خودمدارانه در جامعه می‌شود. در این صورت باید پذیرفت که در جامعه‌ای که استبداد حکم فرماست نظام ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه نیز باید مبتنی بر نفع خصوصی و شخصی باشد و دیگرخواهی و نفع جمعی جایگاه چندانی در میان افراد جامعه ندارد. همین ایده در تحلیل چرایی وضعیت عدم توسعه یافتگی و فقدان اخلاق دموکراتیک مورد توجه ایران پژوهان قرار گرفته است.

روش پژوهش

بر پایه چارچوب نظری و هدف تحقیق برای تحلیل درست از شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه ایرانی و ارزش‌های اجتماعی موجود در مناسبات اجتماعی و اقتصادی مراجعه به فتوت‌نامه‌ها و کسب‌نامه‌های ایرانیان ضروری است. چرا که به نسبت دیگر منابع مکتوب ایرانی باقی مانده (دیوان اشعار، سیاست‌نامه‌ها، نقاشی‌ها، ادبیات داستانی، و مانند آنها) این منشورها و نظامنامه‌ها می‌تواند تصویری صریح‌تر و دقیق‌تر از ارتباطات اجتماعی جامعه ایرانی و نظام رفتاری مردم در طول قرن‌ها حاکمیت استبداد ارائه دهد.

رجوع ما به متون ادبیات عامیانه تاریخ ایران به جهت اهمیت آن‌ها در بازتاب هویت و فرهنگ پیشینیان ماست. زبان چه به صورت گفتاری و چه نوشتاری و چه تصویری، بخش مهمی از فرهنگ به شمار می‌رود و بهتر از هر عنصر دیگر می‌تواند منش‌ها و فرهنگ‌ها را در خود بازتاباند (فراهی، ۱۳۸۸: ۴۶۲). از طریق زبان می‌توان به واقعیت‌های اجتماعی سیاسی و نظام ارزشی حاکم در جوامع پی برد. کندراتوف و دیگر زبان‌شناسان نشان داده‌اند که زبان تنها ابزاری برای ارتباط با هم نوعان و انسان‌های دیگر در زمان حال نیست، زبان وسیله‌ای بسیار مهم برای درک احساسات و عواطف آدمیان در طول تاریخ است (کندراتوف، ۱۳۶۴: ۳۱). بنابراین می‌توان اذعان داشت که نظام ارزش‌های اجتماعی و روابط نهفته درون هر فرهنگ در ادبیات هر کشور متجلی است (فیوضات، ۱۳۸۶: ۳۷؛ پاکتچی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

بر این اساس با تکیه بر رابطه زبان و فرهنگ، و فرضیه پژوهش، و با اتخاذ روش تحلیل محتوا، در این جا کسب‌نامه‌ها یا فتوت‌نامه‌ها که در واقع می‌توانند حاوی مهمترین اصول ارزشی حاکم بر فرهنگ اجتماعی اقتصادی جامعه ایران باشند مطالعه می‌شوند تا زمینه آزمون فرضیه‌های تحقیق فراهم گردد.

فتوت‌نامه یا کسب‌نامه

در تاریخ مردمان ایران زمین اسناد و منابع مهمی مربوط به پیشه‌وران و اصناف مختلف ایرانی به چشم می‌خورد که بسیاری از مناسبات اجتماعی و اقتصادی حاکم برای جامعه آن زمان را روایت می‌کند و متأسفانه امروزه توجه چندانی به آن نمی‌شود. این اسناد در طول تاریخ با عناوین مختلف از قبیل فتوت‌نامه، رسائل جوانمردان، کسب‌نامه‌ها و کسوت‌نامه‌ها در کتابخانه‌های معتبر جهان از جمله کتابخانه‌های ملی پاریس، ایاصوفیه استانبول، ملت افندی استانبول، دانشگاه کالیفرنیا، گنج بخش پاکستان و کتابخانه‌های ایران موجودند. "فتوت‌نامه" یا کسب‌نامه رساله یا کتابی است که در باب منش، عقاید، قوانین و آداب جوانمردان نوشته شده است (افشاری ۱۳۸۲: ۲۹).

این اسناد مکتوب به عنوان منشورهای اخلاقی پیشه‌وران ایرانی که اعتبار و اهمیت درخور تأملی در زندگی اجتماعی مردمان ایران زمین داشته می‌توانند به عنوان یکی از ذخائر و میراث‌های فرهنگی و موضوعات اساسی مورد توجه پژوهشگران و محققان حوزه تاریخ اجتماعی، انسان‌شناسی، تاریخ، اقتصاد و توسعه و ادبیات و مطالعات دین قرار گیرند؛ چرا که به مثابه نظام‌نامه‌هایی بودند که برخورد با مشتری، هم‌صنف، بازار و اجتماع را شرح می‌دادند و در نظر کارگر، شغل را تهذیب می‌کردند.

رساله‌های اهل فتوت به عنوان بخشی از ادبیات عامه ایران با بیانی ساده و عامیانه اعتقادات، افسانه‌ها و آداب و رسوم طبقه عامه ایران، و به طور خاص پیشه‌وران را در دوران گذشته بیان می‌کند. لذا توجه به آن برای شناخت بیشتر فرهنگ و تمدن سرزمین‌های اسلامی بسیار حائز اهمیت است.

ریشه این منشورهای اخلاقی که در بسیاری منابع با عنوان فتوت‌نامه‌ها از آن یاد می‌شود را باید در آیین فتوت جستجو کرد. فتوت اصطلاحی است که در حدود قرن دوم هجری به عنوان مفهومی مشابه مروت ابداع شد و ناظر به ویژگی "فتی" یا همان جوانمرد بود (کلود کاهن، ۱۳۸۹) فتی کسی است که در فضایل خلقی کامل و از دنیا و رذایل نفسانی مجتنب باشد؛ صاحب قدمی راسخ و طمئینیتی متمکن... است، (تحفه‌الاکوان: ۲۶۹) کسی را سزاوار نام فتی می‌دانستند که تمام خصایل و فضایل انبیا و اولیا را در خود دارد و با تمام این‌ها خود را حقیر و کوچک می‌شمارد (کربن، ۱۳۶۳: ۱۳۴).

سعید نفیسی شکل‌گیری فتوت در ایران به مثابه یک آیین و مسلک اجتماعی را در پیش از اسلام می‌داند، ولی معتقد است در قرن دوم هجری بود که جوانمردان یا اهل فتوت هدایت‌گر

بسیاری از حرکت‌های اجتماعی در ایران گردیدند (نفیسی ۱۳۵۴ به نقل از فرهادی، ۱۳۹۰: ۷) برخی دیگر نوشته‌اند که فتوت به مفهوم جماعتی که پیرو سلسله اصول فتوت بوده‌اند، در اواسط سده سوم هجری قمری ایجاد شد. در آن زمان فتیان به عیاران و یاغیان شهرت داشتند (کربن، ۱۳۶۳: ۵) و از آن پس بود که آنان به ایجاد سازمانی نظیر احزاب امروز دست زدند و اصول و عقاید و نظرات ایشان در کتاب‌هایی به نام فتوت نامه منعکس گشت.

نفیسی اعتقاد دارد که در ایران پس از ورود اسلام، چون صنایع دستی در ایران ترقی فوق‌العاده کرده بود و کالای مهم عالم اسلام در آن روزگار مصنوعات ایران بود، پیشه‌وران و صاحبان حرف و صنایع در ایران بسیار ثروتمند و متنفذ شده بودند و جمعیت‌های صنفی تشکیل شده بود، به همین جهت روسای اصناف بسیار مقتدر بودند. از زمان سامانیان در میان برزگران و کشاورزان و پیشه‌وران ایران سازمان نیرومندی بود که ایرانیان به ایشان "جوانمردان" و تازیان "فتیان" و سازمانشان را فتوت می‌گفتند (راوندی، ج ۳، ۱۳۵۷: ۳۵۷). نفوذ فوق‌العاده پیشه‌وران موجب شد که در چند دوره شکلی از حکومت پیشه‌وران تشکیل شود؛ مانند رویگران سیستان به نام صفاریان، ماهیگیران طبرستان به نام آل بویه و قصابان سبزوار به نام سربداران.

بررسی‌های تاریخی حاکی از آن است که آیین فتوت به تدریج از مقاصد سیاسی و عیاری به سمت مقاصد و اهداف صنفی پیش رفت و "اگر چه در آغاز آیین مردان جنگاور و سپاهی پیشه بود" (افشاری، ۱۳۸۸: ۱۲) بعدها نوعی تصوف عامیانه شد که به تصوف اختصاص نداشت و برای اغلب جوانان کمال مطلوب شمرده می‌شد (زرین کوب، ۱۳۵۷: ۳۳۵) و نه تنها اهل تصوف بلکه سایر مردم در صنف‌های دیگر فتوت‌نامه‌های ویژه‌ای برای خود داشتند (کربن، ۱۳۶۳: ۹) و به این صورت فتوت به صورت آیین صنفی در می‌آید (محجوب، ۱۳۵۰: هفتاد و هفت و نه) و به گفته فرانتس تیشنر، فتوت و جوانمردی به یکی از اصول صنفی آنان بدل می‌شود (کربن، ۱۳۶۳: ۱۳۸) بدین ترتیب برای هر یک از اصناف و پیشه‌ها منشورهای اخلاقی‌ای تدوین گردید که در نوع خود بی‌نظیر است که ما را در شناسایی و کشف نظام‌های ارزشی حاکم بر جامعه اصناف و حیظه کسب و کار یاری خواهد نمود.

با بررسی فتوت‌نامه‌ها و منشورهای اخلاقی به جا مانده پی خواهیم برد که همه این رساله‌ها از وجوه مشترکی برخوردارند. لذا به منظور رسیدن به اهداف تحقیق به بررسی فتوت‌نامه‌های موجود خواهیم پرداخت.

تعاریف عملیاتی مفاهیم

مفهوم ارزش

واژه ارزش^۱ در لغت به معنی اعتبار، بها، ارج و مقدار، قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت، شایستگی، زیندگی، برازندگی، قابلیت است. اسم مصدر ارزیدن نیز دارای معانی قدر قیمت کردن، قدردانی کردن، گرامی داشتن، برازنده بودن، اهمیت دادن و نظایر آن است (معین، ۱۳۶۰) اندیشیدن در باب ارزش، به معنای اندیشیدن در باب آن چیزی است که مطلوب شناخته می‌شود، خواه در سطح سرنوشت جامعه، خواه در سطح سرنوشت فردی. این نوعی علم اخلاق یا دانشی است که موضوع آن، ارزیابی یا قضاوت و در نتیجه تمیز خوب و بد از یکدیگر است (بیرو، ۱۳۷۵: ۴۴۴-۴۴۵).

ترنر معتقد است که انسان‌ها همواره ایده‌هایی درباره آنچه خوب یا بد، مناسب یا نامناسب، ضروری یا غیرضروری است، داشته‌اند. به این گونه ایده‌ها ارزش گفته می‌شود (ترنر، ۱۳۷۸: ۸).

به نظر ریچارد شفر، ارزش یعنی ادراک‌های جمعی از آنچه که در هر فرهنگی خوب و مطلوب و سودمند و یا بد، نامطلوب و ناسودمند پنداشته می‌شود (Schaefer, 2007: 59). در واقع، ارزش‌ها به معنای کمال‌هایی مطلوب هستند که انتخاب رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Sills, 1992: 283). گگی روشه در تعریف ارزش می‌گوید: «شیوه‌ای از بودن یا عمل، که یک شخص یا یک جمع به عنوان آرمان می‌شناسد و رفتار با رفتارهایی را بدان نسبت داده می‌شوند، مطلوب و مشخص می‌سازد» (روش، ۱۳۷۹: ۷۶).

ارزش‌های اجتماعی

در جامعه‌شناسی ارزش اجتماعی عبارت از چیزی است که مورد پذیرش همگان است (محسنی، ۱۳۷۴: ۲۵۱). براساس تعریف اسملسر، ارزش‌های اجتماعی از نوع استانداردهای فرهنگی است که اهداف کلی مطلوب برای زندگی اجتماعی سازمان‌یافته را مشخص می‌کند. ارزش‌های اجتماعی شکل‌دهنده مفهوم نهایی و مشروعیت انتظامات اجتماعی و رفتارهاست (محسنی، ۱۳۷۹: ۵۹۷). آلن بیرو، در کتاب «فرهنگ علوم اجتماعی»، ارزش‌های اجتماعی را مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی و هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته‌اند، معنا کرده‌است. به اعتقاد آلن بیرو، عدالت، انسان دوستی، دیگر خواهی و مهربانی از آن جمله‌اند (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۸۶).

ارزش‌ها از یک سو راهنما و تعیین‌کننده گرایش‌های اجتماعی، و ایدئولوژی‌ها و از سوی دیگر تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی هستند که در آداب و رسوم، قوانین، اعتقادات و اصول مقدس و شیوه‌های زندگی روزمره تجلی می‌یابند. اولویت‌هایی که افراد برای ارزش‌ها قائل هستند، یکسان نیست، این اولویت‌ها معمولاً منعکس‌کننده خلق و خو، شخصیت، تجربه‌های جامعه‌پذیری، تجارب منحصر به فرد زندگی و فرهنگ پیرامون آن است (داریا پور، ۱۳۸۶).

به طور کلی ارزش‌های اجتماعی هم بعد اقتصادی و مادی دارند و هم بعد فرهنگی و معنوی. می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد: "هر امری و هر چیزی اعم از مادی یا معنوی که در جامعه دارای قدر و قیمت باشد و نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کند یا هر چیز گرانبها و سودمند از جمله ارزش‌های اجتماعی است."

خودمداری (Egoism)

گرایش انسان به زندگی و حیات اجتماعی مبتنی بر رفع نیازها و تحقق منافع و مصالح شخصی و خصوصی بدون در نظر گرفتن مصالح دیگران، بیان‌کننده مفهوم خودمداری است (قاضی مرادی، ۱۳۸۷: ۲۸). تلاش برای ارضای تمایلات فردی و عدم توجه به دیگران و امیال و نیازهایشان، بعد اخلاقی خودمداری یا خودمحوری است (حمیدیه، ۱۳۸۵: ۲۱۱).

خودمداری در فلسفه اخلاق در دو شکل روان‌شناختی و هنجاری مطرح می‌شود. آگوستینم روان‌شناختی گرایش انسان‌ها به حفظ منافع خویش را به سرشت و طبیعت منتسب می‌کند. شکل هنجاری خودگروری یا خودمداری هنجاری ناظر به باید‌هاست و این دیدگاه معتقد است انسان باید پیوسته به دنبال منافع خویش بوده و عملی درست است که بر پایه تحصیل منافع خود باشد (کمپبل، ۱۳۸۰: ۲۱).

خودگرایی اخلاقی می‌گوید رفتار فرد برای تأمین منافع شخصی حتی در صورتی که نفع شخصی او در تعارض با منافع شخصی دیگران باشد به لحاظ اخلاقی درست است. از این رو هر کس باید به گونه‌ای رفتار کند که خیر یا رفاه بلند مدت خود را به حداکثر برساند بر این اساس تنها خیر و خوبی‌ای که باید هدف غایی فرد در کارها و رفتارهایش باشد خیر و خوبی خود اوست و تنها باید به فکر خود باشند (برای بحثی تفصیلی در این زمینه ر. ک Palmer, 1995 و فرانکنا، ۱۳۷۶).

شخصی و خصوصی بودن منافع و مصالح از یکسو، معرف جدایی آن‌ها از نیازها و منافع اجتماعی و عمومی است و از سوی دیگر، تلاش و تقلا در حوزه فعالیت شخصی و خصوصی زندگی را می‌نمایاند. انسان خودمدار در تحقق منافع و مصالح خودمدارانه خود، سعی می‌کند در هر موقعیتی، تمایزی خاص و ویژه برای خود نسبت به سایر افراد جامعه بیابد. انسان خودمدار عضو جماعتی انباشته از انسان‌های خودمدار است که هر یک آماده‌اند تا از دیگری به عنوان وسیله‌ای برای تحقق منافع و مصالح خود استفاده کنند.

جامعه خودمدار قانون‌پذیر نیست و همه چیز در هر جا بر مدار خود و منافع شخصی است. پیش از این به ویژگی‌های انسان خودمدار و جامعه خودمدار اشاره نمودیم در اینجا برای روشن نمودن ابعاد خودمداری لازم است به نقطه مقابل خودمداری یعنی مفهوم دیگرخواهی اشاره‌ای داشته باشیم.

دیگرخواهی در تضاد با خودمداری

مفهوم دیگرخواهی یا دیگرگرایی (Altruism) چند زمانی است که توجه جامعه‌شناسان و محققان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده‌است. اگوست کنت را مبدع مفهوم دیگرخواهی نیز می‌دانند. از دلمشغولی‌های وی در ترسیم ابعاد تحول فرهنگی، بحث گذار از بخشایش خانوادگی به بخشایش عام است (دوثناو، ۱۹۹۳ به نقل از ذکایی: ۲۷۵).

کنت می‌گوید که مقدس‌ترین تکالیف و همچنین بالاترین سعادت، نوعدوستی است. او همچنین پیش‌بینی می‌کرد مدنیت نیز نتیجه حس نوعدوستی انسان است که قوه عقلی بر آن ضمیمه می‌شود و بر حس خودخواهی غلبه می‌کند تا سرانجام به صورت عشق به انسانیت درمی‌آید (ریمون آرون، ۱۳۵۲: ۱۲۱). البته به نظر می‌رسد در این مورد پیش‌بینی او درست درنیامد و فردگرایی و خوشیفتگی در غرب بیشتر شد، جنگ‌های متعددی صورت گرفت و اروپای غربی مرکز و کانون جنگ‌های قرن بیستم بود (ریمون آرون، ۱۳۵۲: ۹۸).

کنت، دیگرخواهی را توجه غیر خودخواهانه نسبت به رفاه دیگران می‌داند. در این صورت می‌توان دریافت که دیگرخواهی نقطه مقابل خودخواهی تلقی شده‌است. رفتار دیگرخواهانه بیانگر ارزشگذاری اصول اخلاقی همچون عدالت، برابری و خیر بیشتر نسبت به گروه بزرگتری است و جایگاه آن در تعامل اجتماعی بالاتر از رابطه بده و بستان است (ذکایی، ۱۳۷۶: ۲) می‌توان گفت که عامل انگیزش درونی که رفتاری را موجب می‌شود در ارزیابی دیگرخواهی نقش حیاتی دارد.

دیگرگرایی اخلاقی رویکردی در اخلاق به شمار می‌رود که انسان را به دلسوزی نسبت به دیگران، خدمت فارغ از خودمحوری به دیگران و از خود گذشتگی برای تأمین منافع و خوشبختی و رفاه دیگران توصیه می‌کند؛ بر این اساس فرد باید در خدمت دیگران باشد و به سعادت و رفاه دیگران توجه داشته باشد (نصیری، ۱۳۸۲: ۳۹۴).

دیگرخواهی شیوه‌ای از اندیشه است. مردم ارزش‌های اخلاقی لازم برای زندگی اجتماعی را می‌آموزند و آن را متجلی می‌کنند. محیطی که افراد در آن زندگی می‌کنند نوع ارزش‌ها و روابط غالب در آن می‌تواند امکان ارتکاب رفتارهای دیگرخواهانه را فراهم کند و یا مانع از وقوع آن شوند. با توجه به مجموع دیدگاه‌های در باب رفتار و ارزش‌های اخلاقی جامعه، می‌توان گفت که رفتار هر یک از افراد انسانی می‌تواند معطوف به ارزش‌های اخلاقی خودمدارانه و یا دیگرگرایانه باشد.

دسته‌بندی ارزش‌های اجتماعی

در پژوهش حاضر ارزش‌های اجتماعی از دسته‌بندی‌های مکدوگال و لاسول، آلپورت، شوارتز، اینگلهارت، منوچهر محسنی و حسن قاضی مرادی الهام گرفته شده است. سپس این ارزش‌ها به چند تن از محققان حوزه علوم اجتماعی ارائه شد تا ارزش‌های اجتماعی معطوف به خود (منافع فردی) و ارزش‌های اجتماعی معطوف به دیگری (منافع جمع) دسته‌بندی و مشخص گردند تا از خلال بررسی و مقایسه میزان بسامد این دو دسته از ارزش‌های اجتماعی در کسب‌نامه‌ها (فتوت‌نامه‌ها)، به میزان فراوانی آن در مناسبات اقتصادی دست یابیم و فرضیه پژوهش را به آزمون بگذاریم. ذکر این نکته ضروری است که از آنجا که واحد متن در اینجا کسب‌نامه‌ها یا همان فتوت‌نامه‌ها هستند، لذا مقوله‌هایی متناسب با حوزه کسب و کار انتخاب گردیده‌اند.

پس از جمع‌آوری دیدگاه‌ها و بررسی دسته‌بندی‌های صاحب‌نظران و نظرسنجی از برخی محققان حوزه علوم اجتماعی در مجموع ۶ ارزش معطوف به منافع خود (منافع فرد) و ۶ ارزش معطوف به منافع دیگری (جمع) در حوزه کسب و کار به عنوان مقوله‌های قابل سنجش در تحقیق به دست آمد که عبارتند از:

ارزش‌های اجتماعی معطوف به خود (منافع فرد)

ثروت و سودمندی شخصی، سلطه و تحکم، نتیجه محوری، لذت‌طلبی، خود اتکایی، مالکیت.

ارزش‌های اجتماعی معطوف به دیگری (منافع جمع)

نوع دوستی، مهربانی و ادب، تواضع، صداقت، سخاوت، وظیفه‌محوری و سخاوت.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در این تحقیق شامل همه رساله‌ها و فتوت‌نامه‌های موجود در تاریخ ایران از سده پنجم تا دوره قاجار هستند. انتخاب این جامعه آماری از این جهت بوده است که مطابق با اهداف تحقیق، این پژوهش متکفل بررسی نسبت و رابطه میان استبداد و ویژگی‌های سرزمینی با ارزش‌های اجتماعی در میان جامعه ایرانی است. لذا با توجه به اینکه در همه این دوره‌ها حکومت‌های استبدادی در ایران بر سر کار بوده‌اند، همه فتوت‌نامه‌های در دسترس که متعلق به این بازه زمانی گسترده هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

با توجه به بررسی به عمل آمده آمار مشخص و دسته‌بندی شده‌ای در مورد تعداد دقیق این رساله‌ها موجود نیست. بر این اساس واحدهای متن از طریق نمونه‌گیری ساده انتخاب شدند. از مجموعه رساله‌های موجود در کتابخانه‌ها فتوت‌نامه‌های اصناف را مد نظر قرار دادیم.^۱

واحد تحلیل

واحد تحلیل در اینجا پاراگراف است. در این راستا مضامینی را که در قالب پاراگراف‌های موجود در فتوت‌نامه‌ها یا کسب‌نامه با مقوله‌های تحقیق در ارتباط است را بررسی می‌کنیم.

مقوله‌ها

این پژوهش به تحلیل محتوای کسب‌نامه‌ها و فتوت‌نامه‌ها از نظر میزان توجه به ارزش‌های اجتماعی خودمدارانه و دیگرخواهانه که پیش از آن بدان اشاره شد می‌پردازد. مقوله‌ها رده‌هایی هستند که هر یک مجموعه‌ای از عناصری را که از نظر شکل و عمق ویژگی‌های مشترکی دارند در خود جای می‌دهد. معیار مقوله‌سازی به هدف تحقیق بستگی دارد (کوی ۱۳۷۵: ۳۶۷).

۱. عناوین این فتوت‌نامه به شرح ذیل می‌باشد.

فتوت‌نامه و کسب‌نامه‌ها و رساله‌های سلطانی، قصابان، کفاشان، کفش‌دوزان، طباخان، دلاکان، حجامان، سلمانیان، ندادان، شومالی و جولاهگی، بافندگی، خیاطی، دوزندگی، نمدمالی، نجاری، صباغی، سلمانی، سقائی، کفش‌دوزی، خبازان، حمامیان، سلاخان، معرکه‌گیران، بساط‌اندازان.

تعریف مقوله‌ها

به منظور روشن تر شدن حوزه معنایی مفاهیم بررسی شده، بهتر است به ابعاد و چیستی آنها اشاره‌ای داشته باشیم.

ارزش‌های معطوف به منافع خود (منافع فرد)

ثروت و سودمندی شخصی: انسان خودمدار به دنبال کسب ثروت و شهرت و کسب حداکثر سود شخصی است. در اینجا هر گزاره‌ای که به این امر دلالت داشته باشد مدنظر است. مفهوم شهرت را نیز می‌توان در این مقوله گنجانند. سلطه و تحکم: هر گزاره‌ای که به نوعی دلالت بر اقتدارطلبی فرد و تحکم نسبت به زیردستان داشته باشد.

نتیجه‌محوری: مقصود توجه بر نتیجه عمل فارغ از به کارگیری ابزار و روشی مطلوب، لذا زرنگی و سالوسی در این تعریف می‌گنجد.

لذت‌طلبی: یکی از مظاهر خودمداری لذت‌طلبی است که بر اساس آن انسان تنها به دنبال لذات شخصی خویش است. مفاهیمی مثل آسایش و رفاه در این تعریف می‌گنجد. خود اتکایی: مقصود از خود اتکایی عدم بهره‌گیری از مشارکت و همراهی دیگران است. مالکیت: هر گزاره‌ای که دلالت بر تأکید بر مالکیت فرد بر اموال و حوزه اقتصادی خود دارد منظور نظر است.

ارزش‌های اجتماعی معطوف به دیگری (منافع جمع)

نوع‌دوستی: یعنی توجه به دیگران فارغ از هویت جنسیتی مذهبی و ملی، و نیز توجه دلسوزانه و غیر خودخواهانه نسبت به منافع و حقوق دیگران.

مهربانی و ادب: حسن برخورد و مهربانی و ادب در برابر مشتری و همکاران در حوزه کسب و کار مدنظر است.

تواضع: فروتنی و افتادگی در برابر دیگران از جمله ویژگی‌های انسان غیر خودمدار می‌تواند باشد. مقصود تواضعی است که اطاعت از بزرگتر و یا همسالان و یا مافوق را به همراه دارد.

صداقت: انسان غیر خودمدار در حوزه کسب و کار از هر وسیله‌ای برای مقاصد خویش استفاده نمی‌کند، لذا همواره صداقت به عنوان یکی از ارزش‌ها در اینجا مطرح است.

وظیفه‌محوری: در برابر نتیجه‌محوری مطرح می‌شود و دلالت بر پیروی از قانون و وظایف کاری، مسئولیت‌شناسی و امانت‌داری نیز می‌کند
 سخاوت: گزاره‌هایی که دلالت بر نیکی بذل و بخشش به دیگران و عدم بخل می‌کنند در اینجا مد نظر است.

یافته‌های تحقیق

رساله‌های صنفی و فتوت‌نامه‌ها به عنوان بخشی از ادبیات عامه ایران تا اندازه‌ای نمایاننده و نشانگر فرهنگ عامه مردم ایران در گذشته است. فتوت‌نامه‌ها گواهی است بر حاکمیت اخلاق و جوانمردی و تأثیر و نفوذ سرمایه‌های اجتماعی در حوزه کسب‌وکار و اقتصاد و توجه بر رعایت اخلاق در میان طبقه عامه. یافته‌های تحقیق بر اساس متن فتوت‌نامه سلطانی و متن فتوت‌نامه‌هایی که مهران افشاری در دو مجلد گردآوری کرده، استخراج شده است.
 در این منشورها همواره بر وظیفه‌محوری و تلاش و جدیت در کار تأکید شده و سعی شده حتی نازل‌ترین کارها تقدیس شود تا کارگران احساس مقدسی در باب وظیفه و مسئولیتی که بر عهده دارند، داشته باشند. در یک فتوت‌نامه تصریح شده که:

"بدان که حمالی کاری است که بزرگان دین از آن بسیار حساب گرفته‌اند به واسطه آن در حقیقت غیر انسان کسی حمال بار امانت نیست..... اگر پرسند که شرایط حمالی چند است؟ بگوی چهار: اول آنکه چون بار بردارد، از برداشتن بار امانت حق یاد کند، دویم در زیر این بار به احتیاط می‌رود در زیر بار امانت نیز به احتیاط برود تا پای دلش نلغزد و از راه راست نیافتد، سیّم چنانچه در این بار خیانت کردن روا نیست در بار امانت خیانت نکند.. چهارم چنانچه این بار را به منزل می‌باید رسانید تا مزد توان گرفت بار امانت را نیز به منزل آخرت باید رسانید تا لایق اجر عظیم و جزای جزیل گردید" (فتوت‌نامه سلطانی).

تحلیل محتوای این اسناد در فرهنگ اجتماعی ایرانیان از وجود فرهنگ کار و تلاش و جدیت در کسب روزی حلال و پرهیز از تنبلی و کسالت در امور اجتماعی حکایت می‌کند. در نظام صنفی جامعه ایرانی توجه به سلسله مراتب و جایگاه پیر و مرشد و تبعیت از راه و مشی او رکن اساسی فرهنگ اجتماعی محسوب می‌شود. " که فرموده‌اند..... هر کس کاری و کسبی کند و پیر خود را نداند، پیر او شیطان است و کسب بر او حرام است" (فتوت‌نامه شومالی و جولاهگی). این مسئله نشان می‌دهد که نهاد اصناف در جامعه ایرانی از نوعی سیستم سلسله

مراتبی تبعیت می‌کرده است. اما همواره بر حقوق شاگرد توجه و تأکید داشته، چرا که آمده است: استاد باید به قدر حوصله به شاگرد کار فرماید (فتوت‌نامه شومالی و جولاهگی).

پرهیز از کسب سود با روشی غیر اخلاقی و منفعت‌طلبی و سستی و کاهلی و ضعف در حیطه وظایف و مسئولیت‌ها در کسب از آداب کار و تلاش اقتصادی به شمار می‌رفته. "اگر پرسند که آداب مجموع کسب‌ها علی‌الاجمال چند است؟ بگوی هشت: اول کسب خود را از مال حرام و شبهت پاک دارد پنجم در حرفت خود کار معیوب و روی کشیده نکند و از غل و غش دور دارد" (فتوت‌نامه سلطانی، ۱۳۵۰: ۲۶۱).

نوع دوستی و خیررسانی به دیگران از اصول اساسی اصناف به شمار می‌رفته است.^۱ در فتوت‌نامه بافندگی آمده است که: "اول نیت کن که این کسب یاد می‌گیرم از برای آنکه نفع آن به عیالان مسلمانان برسانم که خیر من الناس من ینفع الناس - یعنی بهترین آدمیان آن است که خیر به مردمان برساند" (فتوت‌نامه بافندگی)

راستی و صداقت از جمله ارزش‌های اخلاقی است که در فتوت‌نامه‌ها بسیار بدان اشاره شده است. "... استاد کار باید که دروغگو و وعده خلاف نباشد" (رساله خیاطی).^۲

سخت‌کوشی و مهربانی در کار و ملاحظت نسبت به مردم از ارزش‌های اخلاقی هستند که ردپای آن در فتوت‌نامه و کسب‌نامه‌ها به وفور دیده می‌شود و همه این‌ها از حضور پرنرنگ ارزش‌های دیگرمدار در فرهنگ و مناسبات اقتصادی در فرهنگ عامه ایرانیان حکایت می‌کند. اگر پرسند که واجبات طریقت چند است؟ بگوی اول آموختن از علم شرع، دوم علم را به عمل رسانیدن، سیم با خلق خُلق ورزیدن، چهارم ریاضت کشیده، تا آئینه دل به صیقل مجاهدت روشن گردد (فتوت‌نامه سلطانی ۱۳۵۰: ۳۲).^۳

طبق پژوهش انجام شده، آمار بیانگر بسامد بالا و قابل توجه ارزش‌های معطوف به منافع دیگری است. از میان مقوله‌های در نظر گرفته شده مقوله وظیفه محوری دارای بیشترین فراوانی (۲۷/۶۰٪) در میان کسب‌نامه‌ها و منشورهای اخلاقی اصناف است.

۱. از شرایط کسب "... اول نیت است و نیت چنان باید که من کار برای (آن) یاد می‌گیرم که نفع به خود و دیگران رسانم... بهترین آدمیان آن کس است که نفع به آدمیان می‌رساند و بدترین مردمان آن کس است که ضرر به مردم می‌رساند (رساله دوزندگی).

۲. در رساله نمدمالی: و راستی و درستی را شعار خود سازد تا آنچه از این کار حاصل کند بر او حلال باشد....

راستی از تو، ظفر از کردگار از همه غم رستی اگر راستی

۳. یا در رساله صباغی آمده است که لازم است که "... خوش خلق باشد، شاد باشد و اگر پرسند در کرباس‌کوبی و در پیش‌بردن شرایط و آداب او چند است بگوی دوازده نهم روی را گشاده دارد ... بامروت باشد ... دوازدهم خوش خلق و خوش خوی باشد (رساله صباغی).

جدول فراوانی مقوله‌ها

مقوله‌ها	معطوف به خود	درصد	مقوله‌ها	معطوف به دیگری	درصد
۱	ثروت و سود شخصی	۱۸۴٪	۱	نوع دوستی	۱۸.۴٪
۲	سلطه و تحکم	۱.۲۲٪	۲	مهربانی و ادب	۱۷.۱۷٪
۳	نتیجه محوری	۰٪	۳	تواضع	۸.۵۸٪
۴	لذت‌طلبی	۰٪	۴	صداقت	۱۲.۲۶٪
۵	خود اتکایی	۰٪	۵	وظیفه محوری	۲۷.۶۰٪
۶	مالکیت	۰.۶۱٪	۶	سخاوت	۱۲.۲۶٪

از میان ارزش‌های معطوف به منافع فردی مقوله‌های ثروت و سودمندی شخصی، سلطه و تحکم و مالکیت هر کدام به ترتیب ۱/۸۴٪، ۱/۲۲٪ و ۰/۶۱٪ میزان تکرار را دارد. باقی مقوله‌های مربوط به ارزش‌های معطوف به منافع فردی از جمله نتیجه محوری، لذت‌طلبی، خوداتکایی در فتوت‌نامه‌ها یافت نشدند.

همچنین پژوهش نشان می‌دهد از میان مقوله‌های معطوف به منافع جمع مقوله تواضع کمترین میزان تکرار ۸/۹۱٪ را در میان فتوت‌نامه‌ها داشتند و بیشترین تکرار مربوط به مقوله وظیفه محوری با میزان ۲۸/۶۶٪ است که ارزش‌هایی مانند اطاعت از مافوق، امانت‌داری، مسئولیت‌شناسی، پیروی از قانون در این مقوله می‌گنجد.

یافته‌ها حاکی از آن است از مجموع شمارش واحدها ارزش نوع دوستی ۱۸/۴۰٪ و ارزش ادب و مهربانی ۱۷/۱۷٪ و ارزش‌های صداقت و سخاوت هر کدام به میزان ۱۲/۲۶٪ در متون مربوطه تکرار شده‌اند.

نتیجه

نگاه به نظریه‌ها و رویکردهای موجود در رابطه با نسبت میان منش ملت‌ها و شیوه حکومت، فرضیه تلازم میان استبداد ایرانی و خودمداری ایرانیان را به ذهن متبادر می‌کند، کما اینکه در ادبیات توسعه و جامعه‌شناسی سیاسی در ایران بر چنین تلازمی مهر تأیید زده می‌شود. از این رو، سؤال پژوهش این بوده است که به لحاظ تاریخی روحیه خودمداری ایرانیان قابل استنباط است یا خیر؟ لذا با توجه به اینکه ادبیات عامیانه هر ملتی می‌تواند بازتاب فرهنگ مردمی آن ملت

باشد، اقدام به تحلیل محتوای کسب‌نامه‌ها و منشورهای اخلاقی اصناف ایران نمودیم تا با اتکا بر روش تجربی و تکنیک کمی تحلیل محتوا به نتیجه روشن‌تری در این باب، دست‌یابیم. در فرضیه تحقیق بیان شد که حاکمیت زورمداری در عرصه سیاسی نسبت مستقیم با روحیه ایرانیان پیدا می‌کند و علی‌الفرض در سایه آن می‌بایست خصائل منفی در اخلاق جمعی رشد می‌یافت. اما همانطور که مشاهده شد با عنایت به بسامد بالای ارزش‌های معطوف به منافع دیگری در میان این متون می‌توان گفت فرضیه تحقیق رد می‌شود.

از این رو با توجه به اینکه متون مورد مطالعه در این تحقیق از حاکمیت ارزش‌های اخلاقی معطوف به منافع جمعی و عدم توجه به ارزش‌های معطوف به منافع فردی در مناسبات اقتصادی حکایت می‌کند می‌توان نتیجه گرفت که از این منظر تلازم و نسبت خاصی میان حکومت استبدادی و خلق و خوی مردم جامعه وجود ندارد و احتمالاً ویژگی‌های سرزمینی و حکومت‌های استبدادی در ایران نتوانسته است در اعصار طولانی تأثیر منفی زیادی بر نظام ارزش‌های اجتماعی جامعه ایران داشته‌باشد.

رأی غالب تاکنون بر این بوده است که تاریخ سیاسی ایران تاریک و استبدادی بوده است. این در حالی است که نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که در وضعیت صدها ساله‌ی استبداد در ایران، با وجود این، جامعه ایرانی در سطوحی دارای سجای والای اخلاقی و روح اخلاق جمعی بوده است. در این صورت می‌توان خطر کرد و چنین گمانه‌زد که یا وضعیت سیاسی ایران استبدادی مطلق یا مانند آن نبوده است، یا می‌بایست که متغیر مداخله‌گری وجود می‌داشته است که تأثیرات منفی نظام سیاسی را بر اخلاق عمومی جامعه کاهش می‌داده است.

بر پایه یافته‌های تحقیق و با توجه به رد فرضیه پژوهش، به نظر می‌رسد به کارکرد نظریه‌های یادشده که حاکی از تلازم میان استبداد و اخلاق ملت‌ها هست باید به دیده تردید نگریست و در بررسی علت یا عوامل وضعیت کنونی دولت و جامعه ایرانی فرض معمول نظریه‌های توسعه در ایران را به کناری نهاد. مطابق بر این فرض، عدم برقراری جامعه و دولتی دموکراتیک در ایران در زمان کنونی ریشه در فقدان تجربه اخلاق کار جمعی و مسئولیت‌پذیرانه از سوی ایرانیان در گذشته دارد، زیرا همواره سایه استبداد در حوزه قدرت، در حوزه اجتماع افراد را به سوی هراس، عدم امنیت و خودخواهی کشانده بود. با توجه به آن که در این پژوهش به طور مستقیم اسناد دسته اول مورد مطالعه قرار گرفتند و رأی غالب نظریه‌پردازان توسعه در باب ایران مردود قرار گرفت، می‌توان چنین حدس زد که عموم آن مطالعات بیش از آن که ریشه در مشاهدات تاریخی - تجربی داشته باشند، پای در کلیشه‌ها و فرضیات مستشرقان دارند.

منابع

الف) فارسی

- آخوندزاده، فتحعلی، (۱۲۷۵ق)، مکتوبات، تهران، کتابخانه ملی.
- ریمون، آرون، (۱۳۵۲)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- اشرف، احمد، (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه، انتشارات زمینه، تهران.
- افشاری، مهران، (۱۳۸۲)، فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افشاری، مهران، (۱۳۸۸)، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، تهران، نشر چشمه.
- بازرگان، مهدی، (۱۳۵۴)، سازگاری ایرانی، فصل الحاقی کتاب روح ملت‌ها، تهران، باد.
- بنت، فرانسیسکو، (۱۳۴۷)، «نوسازی زندگی روستایی و دامپروری در منطقه زاگرس»، نامه علوم اجتماعی، سال ۱، شماره ۱.
- بیرو، آلن، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۸۷)، «الزامات زیباشناختی مطالعات میان رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای علوم انسانی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، سال اول، شماره ۱، زمستان.
- پیران، پرویز، (۱۳۸۴)، «نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران»، اندیشه ایرانشهر، شماره ۶.
- ترنر، جانانان، (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی، مفاهیم و کاربردهای آن، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیزی، قم: انتشارات پژوهشگاه امام خمینی.
- تقی زاده، سید حسن، (۱۳۲۸)، «بعضی از علل ترقی و انحطاط تاریخی ایران»، مجله یادگار، سال ۵، خرداد، شماره ۱۰.
- جمالزاده، محمد علی، (۱۳۴۵)، خلیقات ما ایرانیان، تهران، کتاب فروشی فروغی.
- حمیدیه، بهزاد، (۱۳۸۵)، «بازشناسی فردگرایی و پیامدهای آن»، راهبرد یاس، تابستان، شماره ۶.
- دوروزه، موریس، (۱۳۶۶)، روش‌های علوم اجتماعی خسرو اسدی تهران: امیرکبیر.
- داریاپور، زهرا، (۱۳۸۶)، «ساختار ارزشی و مناسبات نسلی»، دو فصلنامه جوانان و مناسبات نسلی، بهار و تابستان ۱۳۸۶، شماره اول.

- دوستدار، آرامش، (۱۳۷۷)، درخشش‌های تیره، پاریس، انتشارات خاوران.
- ذکایی، محمد سعید، (۱۳۷۶)، «دیگرخواهی و جامعه‌شناسی فصلنامه فرهنگ»، تابستان و پاییز، شماره ۲۲ و ۲۳.
- رایان، روکس پروف، (۱۳۶۹)، نظریه توسعه نیافتگی، ترجمه علی هاشمی گیلانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۵۷)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۳، تهران، امیرکبیر.
- رضاقلی، علی، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، تهران، نشر نی.
- رضاقلی، علی، (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی خودکامگی، تهران، نشر نی.
- روشه، گی، (۱۳۶۷)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه هما زنجانی پور، جلد ۱، دانشگاه فردوسی مشهد.
- زیگفاید، آندره، (۱۳۵۴)، روح ملت‌ها، تهران، نشر انتشار.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۷)، جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۲)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، جلد ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- سریع‌القلم، محمود، (۱۳۸۰)، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- سلیم، غلامرضا، (۱۳۵۷)، ارزش همکاری در فعالیت‌های تعاونی، تهران، سازمان مرکزی تعاون.
- سوزان، جرج و دیگران، (۱۳۸۲)، استعمار پسامدرن، گردآوری و ترجمه احمد سیف، تهران، نشر دیگر.
- سو، آلوین، (۱۳۷۸)، تغییر اجتماعی و توسعه، محمود حبیبی مظاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- علمداری، کاظم، (۱۳۷۹)، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران، گام نو.
- فرهادی، مرتضی، (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی یاریگری، نشر ثالث.
- فرهادی، مرتضی، (۱۳۹۰)، کار در فتوت‌نامه‌ها جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، پاییز، شماره ۸.
- فروم، اریک، (۱۳۷۱)، گریز از آزادی، ترجمه عزت الله فولادوند، چاپ ششم، تهران: مروارید.

- فیوضات، ابراهیم، (۱۳۸۶)، نگرش ایرانیان به کار و صنعت، تهران، پژوهشگاه هنر فرهنگ و ارتباطات.
- فرانکنا، ویلیام کی، (۱۳۷۶)، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، موسسه فرهنگی طه.
- قاضی مرادی، حسن، (۱۳۸۰)، در پیرامون خودمداری ایرانیان، تهران، اختران.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- کریندروف، کلوس، (۱۳۸۳)، تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی، هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
- کندراتوف، آ، (۱۳۶۴)، «واژه‌ها و آتش‌سوزی‌ها»، ترجمه ابوالحسن نجفی، مجله زبان‌شناسی، سال اول، بهار و تابستان، شماره ۱.
- کاشی، عبدالرزاق، (۱۳۵۱)، تحفه‌الآخوان، با مقدمه و تصحیح محمد دامادی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کربن، هانری، (۱۳۶۳)، آیین جوان مردی، تهران، نشر نو.
- کلود، کاهن، (۱۳۸۹)، فتوت به مثابه ساختار اجتماعی، ترجمه علیرضا رضایت، فلسفه، کلام و عرفان، اطلاعات حکمت و معرفت، شهریور، شماره ۵۴.
- کوی، لوتان، (۱۳۷۵)، آموزش و پرورش تطبیقی، ترجمه محمد یمنی سرخابی، چاپ اول: تهران، سمت.
- کمپبل، ریچموند، (۱۳۸۰)، خودگروری، ترجمه امیر خواص، مجموعه مقالات فلسفه اخلاق، ویراسته لارنس بکر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسین بن کاشفی، (۱۳۵۰)، فتوت‌نامه سلطانی، با مقدمه محمدجعفر محجوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- لمبتون، آن. کی. اس، (۱۳۴۵)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- منتسکیو، شارل لوئی دوسکوند، (۱۳۶۲)، روح‌القوانین، ترجمه کریم مجتهدی، تهران، امیرکبیر.
- معین، محمد، (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محسنی، منوچهر، (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- محسنی، منوچهر، (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی عمومی، تهران: طهوری.
- میلانی، عباس، (۱۳۷۸)، تجدد و تجددستیزی، تهران، نشر آتیه.
- ملک‌خان، ناظم الدوله، (۱۲۷۵ ق)، دفتر تنظیمات، تهران، کتابخانه ملی.
- ندیمی، حمیر، (۱۳۷۶)، «جایگاه دین در نظام ارزشی جوانان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- نصیری، منصور، (۱۳۸۲)، «تأملی در بحث خودگرایی و دگرگرایی»، نقد و نظر، شماره ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان.
- نفیسی، سعید، (۱۳۵۴)، «فتوت‌نامه‌ای از قرن هفتم هجری»، فرهنگ ایران زمین، شماره ۹.
- واینر، فیلیپ، (۱۳۸۵)، فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها، مدخل روح قومی، گروه مترجمین، تهران: نشر سعاد.

ب) خارجی

- David C. McClelland, (1961), *The Achieving Society*, The Free Press, New York.
- Hagen, Everett, (1962), *On the Theory of Social Change*, Homewood, Dorsey Press.
- Palmer, Michael, (1995), *Moral Problems*, Cambridge: The Lutterworth Press.
- Schaefer, Richard, T, (2007), *Sociology (11 edition)*, New York: McGraw-Hill
- Sills, David, I. (1992), *International Encyclopedia of Social Science*, New York, Free Press